رسانه سلطنتی انگلیس ۲ حادثه تراژیک همزمان در آبادان و تگزاس را چطور قضاوت کرد؟

بی‌بی‌سی راوی هغیغط

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

رسانه ابزاری برای انتقال پیام از فرستنده به گیرنده(فرد و جامعه و گروه‌های مخاطب و هدف) تعریف شده است، در همین حال آیا همین رسانه علاوه‌بر انتقال پیام فرستنده، خود واجد روح و انتقال فرهنگ و اخلاق خاصی است؟این سوال مهمی است که با شکل‌گیری عصر ارتباطات و پدیده دیجیتالیسم در ساحت جهانی فرهنگ و سیاست، پیش روی اندیشمندان و متخصصان ارتباطات قرار گرفته است که در جای خود قابل بحث است. رسانه‌های ارتباطی کانال‌ها و ابزار بسیار مهمی برای شناخت و آگاهی سیاسی، هوشیارسازی، فهم و جهت‌دهی شهروندان و گروه‌های سیاسی و اجتماعی هستند. صفحه امروز را به نوع انتقال خبر در رسانه‌ها اختصاص دادیم. اتفاق متروپل آبادان یک اتفاق بزرگ در حوزه رسانه‌ای بود. اتفاقی که باعث شد جمعی از هموطنان عزیزمان را از دست بدهیم. در این میان نقش رسانه بسیار مهم و حیاتی است. در گزارش امروز قرار نیست از این اتفاق بگوییم، می‌خواهیم از وجهه دیگری به این موضوع نگاه کنیم. اینکه رسانه‌های غربی مثل بی‌بی‌سی، ایران اینترنشنال و من و تو به اتفاق متروپل چطور پرداختند و در مقابل اتفاق‌های همزمان این رویداد را چطور پوشش دادند.

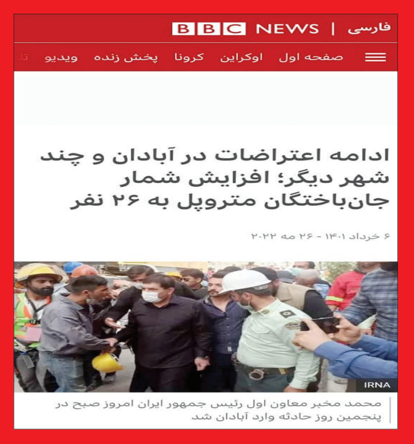

فارسی | BBC NEWS
صفحه اول اوکراین کرونا پخش زنده ویدیو

ادامه اعتراضات در آبادان و چند شهر دیگر؛ افزایش شمار جان‌باختگان متروپل به ۲۶ نفر

۶ خرداد ۱۴۰۱ - ۲۶ مه ۲۰۲۲

IRNA

محمد مخبر معاون اول رئیس جمهور ایران امروز صبح در پنجمین روز حادثه وارد آبادان شد

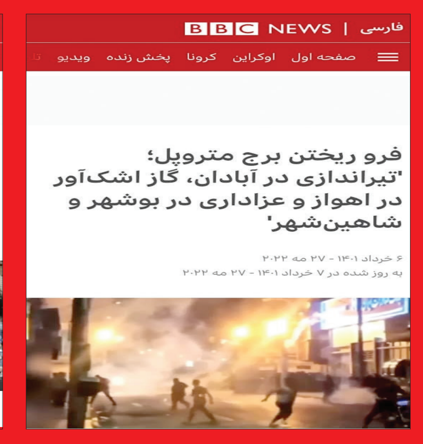

فارسی | BBC NEWS
صفحه اول اوکراین کرونا پخش زنده ویدیو

فرو ریختن برج متروپل؛ 'تیراندازی در آبادان، گاز اشک‌آور در اهواز و عزاداری در بوشهر و شاهین‌شهر'

۶ خرداد ۱۴۰۱ - ۲۷ مه ۲۰۲۲
به روز شده در ۷ خرداد ۱۴۰۱ - ۲۷ مه ۲۰۲۲

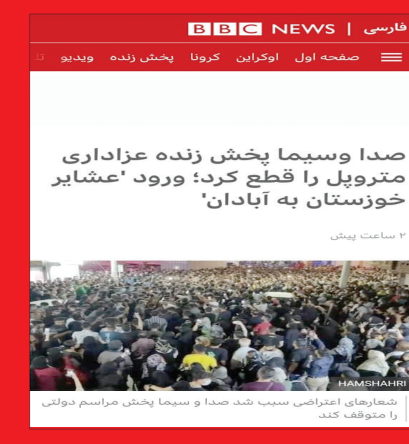

فارسی | BBC NEWS
صفحه اول اوکراین کرونا پخش زنده ویدیو

صدا وسیما پخش زنده عزاداری متروپل را قطع کرد؛ ورود 'عشایر خوزستان به آبادان'

۲ ساعت پیش

HAMSHAHRI

شعارهای اعتراضی سبب شد صدا و سیما پخش مراسم دولتی را متوقف کند

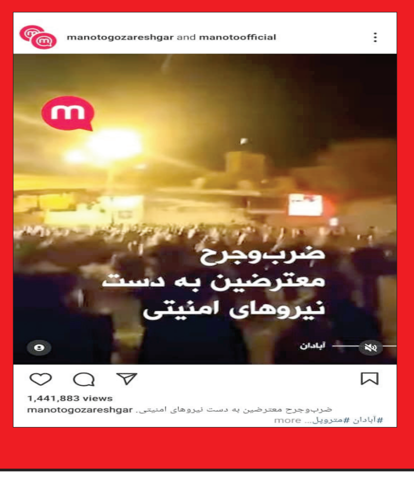

manotogozareshgar and manotoofficial

ضرب‌وجرح معترضین به دست نیروهای امنیتی

آبادان

1,441,883 views
manotogozareshgar ضرب‌وجرح معترضین به دست نیروهای امنیتی.
#آبادان #متروپل... more

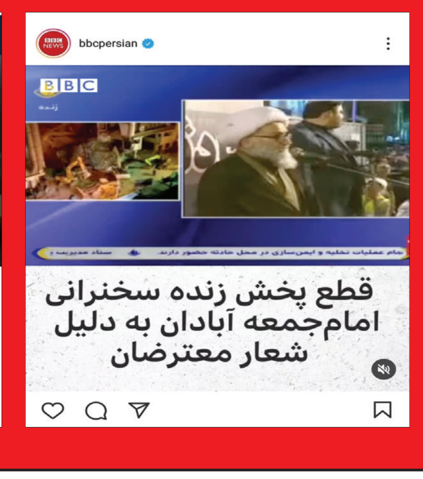

bbcpersian

BBC زنده

قطع پخش زنده سخنرانی امام‌جمعه آبادان به دلیل شعار معترضان

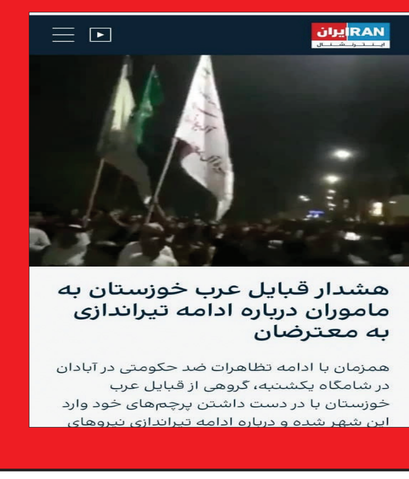

ایران IRAN اینترنشنال

هشدار قبایل عرب خوزستان به ماموران درباره ادامه تیراندازی به معترضان

همزمان با ادامه تظاهرات ضد حکومتی در آبادان در شامگاه یکشنبه، گروهی از قبایل عرب خوزستان با در دست داشتن پرچم‌های خود وارد این شهر شده و درباره ادامه تیراندازی نیروهای

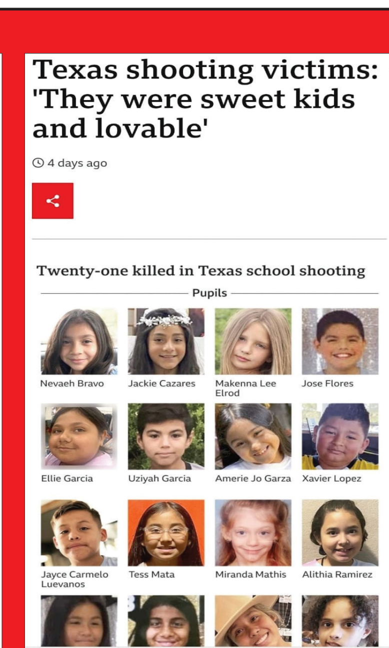

Texas shooting victims: 'They were sweet kids and lovable'

4 days ago

Twenty-one killed in Texas school shooting

Pupils

Nevaeh Bravo, Jackie Cazares, Makenna Lee Elrod, Jose Flores
Ellie Garcia, Uziyah Garcia, Amerie Jo Garza, Xavier Lopez
Jayce Carmelo Luevanos, Tess Mata, Miranda Mathis, Alithia Ramirez

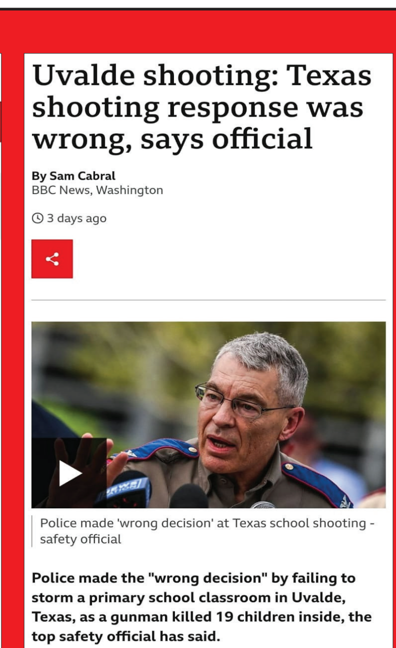

Uvalde shooting: Texas shooting response was wrong, says official

By Sam Cabral
BBC News, Washington

3 days ago

Police made 'wrong decision' at Texas school shooting - safety official

Police made the "wrong decision" by failing to storm a primary school classroom in Uvalde, Texas, as a gunman killed 19 children inside, the top safety official has said.

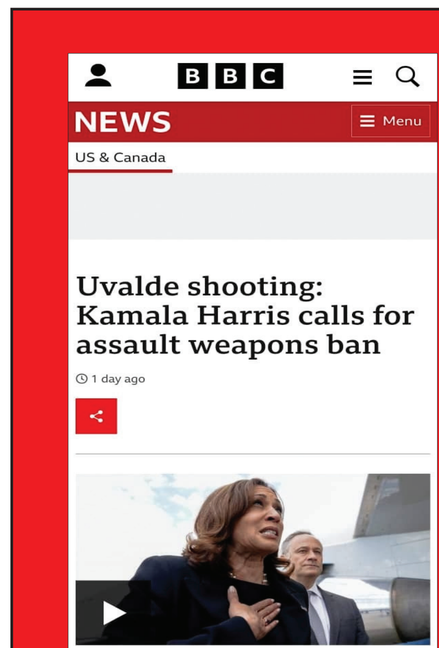

BBC NEWS Menu
US & Canada

Uvalde shooting: Kamala Harris calls for assault weapons ban

1 day ago

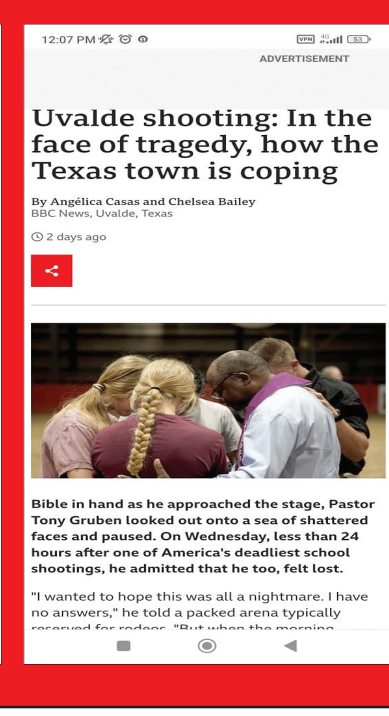

12:07 PM
ADVERTISEMENT

Uvalde shooting: In the face of tragedy, how the Texas town is coping

By Angélica Casas and Chelsea Bailey
BBC News, Uvalde, Texas

2 days ago

Bible in hand as he approached the stage, Pastor Tony Gruben looked out onto a sea of shattered faces and paused. On Wednesday, less than 24 hours after one of America's deadliest school shootings, he admitted that he too, felt lost.

"I wanted to hope this was all a nightmare. I have no answers," he told a packed arena typically

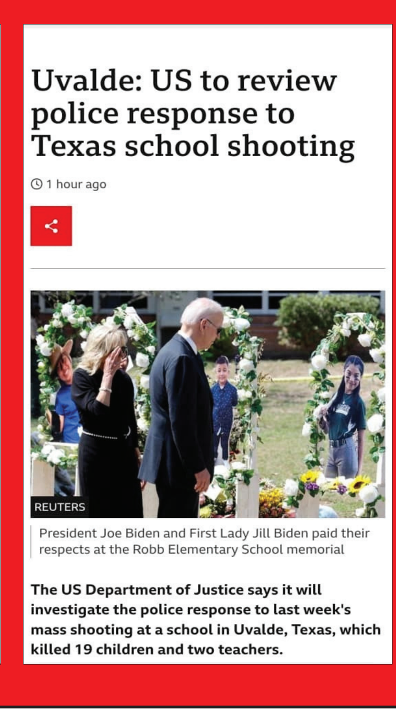

Uvalde: US to review police response to Texas school shooting

1 hour ago

REUTERS

President Joe Biden and First Lady Jill Biden paid their respects at the Robb Elementary School memorial

The US Department of Justice says it will investigate the police response to last week's mass shooting at a school in Uvalde, Texas, which killed 19 children and two teachers.

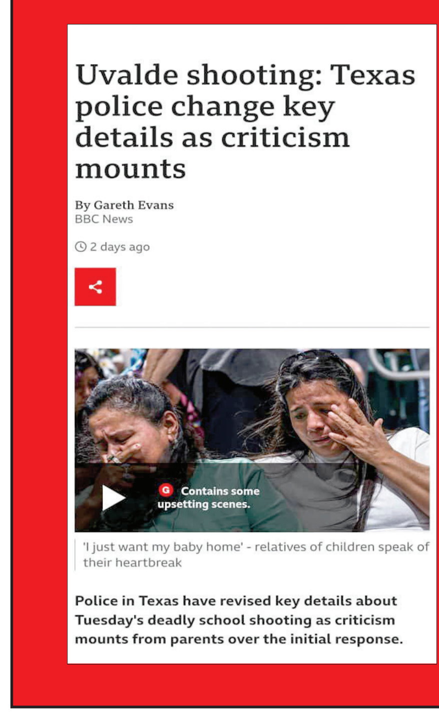

Uvalde shooting: Texas police change key details as criticism mounts

By Gareth Evans
BBC News

2 days ago

Contains some upsetting scenes.

'I just want my baby home' - relatives of children speak of their heartbreak

Police in Texas have revised key details about Tuesday's deadly school shooting as criticism mounts from parents over the initial response.

مهندسی خبر یا پرت کردن حواس مخاطب؟

در این بخش می‌خواهیم از آماری بگوییم که نشان می‌دهد طراحی و گستردگی انتشار اخبار، به صورتی کاملا مهندسی‌شده توسط رسانه‌ها انجام می‌شود و در خروجی این رسانه‌ها قرار می‌گیرد. با نگاهی به اخبار این چند وقت در رسانه‌های آن طرفی کاملا رویکردشان را می‌توان با تعداد اخبارشان سنجید، بی‌بی‌سی فارسی در پنج روز اخیر، تقریبا بیش از ۹۰ پست اینستاگرامی درباره ریزش ساختمان متروپل منتشر کرده است. ایران اینترنشنال همزمان با این اتفاق حدود ۱۰۰ خبر و پست در مورد این حادثه منتشر کرده است. شبکه فارسی زبان «من و تو» هم از این کارزار عقب نمانده است و حدود ۹۵ پست و استوری و خبر در مورد حادثه متروپل منتشر کرده است. این حجم از اخبار را می‌توانید با اتفاق دیگری که همزمان با این رویداد رخ داده است مقایسه کنید. روز سه‌شنبه هفته گذشته، بر اثر تیراندازی در یک مدرسه ابتدایی در شهر «اوالد» ایالت تگزاس آمریکا، ۲۱ نفر از جمله ۱۹ کودک کشته شدند. این اتفاق درحالی افتاد که طبق آمارهای جدید اداره تحقیقات فدرال آمریکا، حوادث تیراندازی در سال ۲۰۲۱ بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است. در این میان فعالان و حامیان کنترل سلاح در آمریکا امیدوار بودند که ریاست‌جمهوری جو بایدن بتواند موجب پیشرفت در زمینه جلوگیری از خشونت با اسلحه در این کشور شود ولی با گذشت حدود دو سال از ریاست‌جمهوری بایدن این امیدها به یأس و سرخوردگی تبدیل شده است. فعالان کنترل سلاح در آمریکا بر این باورند که عملکرد دولت وی برای مقابله با خشونت اسلحه و کنترل تسلیحات واقعا ناامیدکننده بوده است.

همه اینها را در کنار هم داشته باشید و در کنارش حجم خبرهای این رسانه‌ها را در مورد این اتفاق وحشتناک ببینیم. بی‌بی‌سی فارسی تقریبا ۴ خبر، ایران اینترنشنال حدودا ۳ خبر و من و تو هم حدود ۴ خبر از این اتفاق را رسانه‌ای کرده‌اند و مهم‌تر این است که بگوییم اصلا موضع‌گیری در مورد این اخبار نداشته‌اند و فقط به یک تیتر و خبر اکتفا کرده‌اند. در کنارش در همین پنج روز، تصادف ساده یک اتوبوس و مسمومیت در خوابگاه دانشجویی در تهران تیتر اول بی‌بی‌سی می‌شود و اخبار آتش‌سوزی در یک کارگاه کوچک در تهران، هم سریع رسانه‌ای شده و تحلیل‌های پشت سر هم از یک اتفاق کوچک تبدیل به یک خبر مهم و بزرگ می‌شود اما واقعا جای سوال است به نسبت حوادث اخیری که رخ داده، کدام‌یک ضرورت بیشتری در پرداخت و اولویت رسانه‌ای دارد؛ آتش‌سوزی اخیر که در شرق تهران رخ داد یا تیراندازی و کشته شدن آن تعداد دانش‌آموز آمریکایی.

فرار از نقد سیستمی به شیوه BBC

بعد از بررسی رسانه‌های فارسی‌زبان به سراغ BBC انگلیسی رفتیم تا ببینیم در کنار اتفاق آبادان که در رسانه‌های فارسی و خارجی بسیار به آن پرداخته شد، حادثه کشته شدن دانش‌آموزان آمریکایی در یک مدرسه در تگزاس چطور منعکس شده است. این رسانه حدود ۱۵ گزارش و ۲ مصاحبه از این حادثه منتشر کرده اما نکته جالب توجه در پرداخت این شبکه این است که ماجرا را بیشتر از منظر روانشناختی نگاه کرده و فقط در دو خبر کوتاه به موضوع آزاد بودن و دردسترس بودن اسلحه پرداخته است. در حالی است که بیشتر رسانه‌های آمریکایی در گزارش‌های مختلف این موضوع را مطرح کردند و خواستار این بودند که دولت جو بایدن باید فکری به حال این موضوع بکند. این نوع پرداخت در مقایسه با رسانه فارسی این شبکه خبری نشان می‌دهد که در BBC انگلیسی به جای نقد سیستم به نقد شخص می‌پردازند و از کنار موضوع مهم آزاد بودن اسلحه می‌گذرند اما در BBC فارسی هر اتفاق کوچکی در ایران به حاکمیت و ناتوان بودنش ربط داده می‌شود. مطمئنا در اتفاق آبادان همه ما هم‌نظر هستیم که آیا ساختن ساختمان ناامن کار نادرستی است و باید جلوی فسادی که در این موارد شکل می‌گیرد گرفته شود اما اینکه این رسانه همیشه سعی می‌کند تا با همه اتفاقات ریشه اعتراضی را به سمت براندازی ببرد جای فکر کردن بسیار دارد.

بیایید یک حادثه دیگری را با هم مرور کنیم. اتفاقی که درسومین روز ماه مبارک رمضان، پیش آمد؛ مورد حمله قرار گرفتن ۳ طلبه با ضربات چاقو توسط فردی ناشناس در صحن پیامبر اعظم(ص) حرم مطهر رضوی بود. در این حادثه، «حجت‌الاسلام اصلانی» در محل به شهادت رسید و «حجت‌الاسلام پاکدامن» و «حجت‌الاسلام دارایی» در بیمارستان بستری شدند اما پس از چند روز «حجت‌الاسلام دارایی» نیز به یار شهیدش پیوست. به دنبال این حادثه، ساعتی نگذشت که کاربران فضای مجازی با انتشار خبر و تحلیل و بررسی این حادثه به تولید محتوا پرداختند تا جایی که تا چند روز یکی از پربحث‌ترین موضوعات فضای مجازی باقی ماند. پس از انتشار تصویر و هویت شخص ضارب، ماجرا آتشی دوباره گرفت این بار برخی کاربران فضای مجازی این موضوع را مساله‌ای در ابعاد ملیتی و قومیتی دانستند. برخی کاربران نیز این حادثه را در ارتباط با حادثه شهادت دو طلبه اهل تسنن در گنبد کاووس تحلیل کردند. تحلیل محتوای تولیدی از سوی کاربران دو شبکه اجتماعی توئیتر و اینستاگرام در فاصله ۱۳ فروردین (روز وقوع حادثه) تا ۲۴ فروردین (پایان بازتاب خبر حمله به سفارت ایران در افغانستان) نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق کاربران ایرانی و افغانستانی در تحلیل این وقایع رویکرد وحدت‌آمیز داشته‌اند. در مقابل اما کاربران پرنفوذ خارج از کشور اعم از خبرنگاران رسانه‌های فارسی‌زبان معاند و چهره‌های سرشناس خارج‌نشین، رویکرد تفرقه‌آمیزی را در تحلیل این وقایع مورد توجه قرار داده‌اند.

حالا بیایید یکی دیگر از نمونه‌های نزدیک به شب برگزاری فینال لیگ قهرمانان اروپا را با هم مرور کنیم. این بازی به علت ورود تماشاگران بدون بلیت لیورپول با ۳۵ دقیقه تاخیر آغاز شد. بازی که صدها میلیون نفر در دنیا چشم‌انتظار آن بودند و از یک سال پیش مکان و زمان ورزشگاه آن مشخص بود، اما سیستم امنیتی و انتظامی فرانسه نتوانست از ورود تماشاگران بدون بلیت جلوگیری کند! یک آبروریزی در مهم‌ترین بازی سال در قلب اروپا بود! بسیاری از تماشاگران نتوانستند با داشتن بلیت وارد ورزشگاه شوند، اما بی‌بی‌سی فقط خبر قهرمانی رئال مادرید را منتشر کرد و در مورد این اتفاق مهم که بیشتر رسانه‌ها آن را پوشش دادند، حرفی نزد. اما در کنارش درگیری چند تماشاگر در یک بازی دو تیم شهرستانی ایران، می‌تواند در خبر بی‌بی‌سی فارسی یک جدال قومیتی را جلوه کند. در دنیا از این دست حوادث روزانه بسیار است. اما بی‌بی‌سی، حتی یک تصادف ساده اتوبوس را به بحرانی اجتماعی و موجی از فروپاشی روحی و روانی در ایران مبدل می‌کند.

هانا توکلی کارشناس رسانه:

از تیتر اخبار خودمان علیه ما استفاده می‌کنند

هانا توکلی، دکتری ارتباطات دارد و در دانشگاه تدریس می‌کند، به گفته خودش مقاله پایان‌نامه دکتری‌اش را به تحلیل اخبار رسانه‌های آن طرفی اختصاص داده است. او صحبت‌هایش را با یک مثال شروع می‌کند و می‌گوید: «اکثر رسانه‌های غربی در پوشش اخبار حملات تروریستی که به مسلمانان می‌شود با نوع پوشش خبرهای حملاتی که به غیرمسلمانان می‌شود، نکاتی را مطرح و نکاتی را مطرح نمی‌کنند، به‌عنوان مثال برخی رسانه‌های غربی حاضر نیستند از کلمه «حمله تروریستی» برای حملات به مسلمانان استفاده کنند، درمقابل برای هر نوع حمله‌ای حتی با سلاح سرد به غیرمسلمانان بلافاصله شاهد به کار بردن عبارت «حمله تروریستی» ازسوی این رسانه‌ها هستیم. خیلی اوقات دیده‌ایم که از نخستین لحظه انتشار اخبار حملات تروریستی در رسانه‌های رسمی و شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های غربی پوشش گسترده‌ای از این حملات تروریستی ندارند یا حاضر نیستند به مهاجمان لقب تروریست بدهند! بسیار اتفاق افتاده است که رسانه‌های غربی و در راس آنها بی‌بی‌سی فارسی و صدای آمریکا نیز در زمان هر نوع حمله تروریستی به مسلمانان، از عبارت «حمله شبه‌نظامیان» یا «حمله مسلحانه» و از این نوع عبارات استفاده می‌کنند.» توکلی موضوع دیگری را در این حوزه مهم می‌داند که آن وظیفه رسانه‌های داخلی است. او می‌گوید: «نمی‌توان جلوی خبرپراکنی رسانه‌های معاند نظیر بی‌بی‌سی، صدای آمریکا و غیره را گرفت. زمانی هم که اتفاقی نظیر حادثه آبادان می‌افتد، در این فضا شایعه‌پراکنی جان می‌گیرد. شایعه خود تبدیل به خبر می‌شود و بالعکس خبر هم شایعه می‌شود. در این شرایط، افکار عمومی با علامت سوال‌های مختلفی مواجه می‌شود. بر این اساس، فضاهای خبری نظیر صداوسیما، روزنامه‌ها و پایگاه‌های خبری باید مسئولانه عمل کنند. باید در این زمینه روشنگری کنند و تا جای ممکن، با ارائه اخبار و گزارش‌ها و تحلیل‌ها، مردم را از فضای بی‌خبری که در چهارچوب آن بیگانگان طرح‌های خود را پیش می‌برند، خارج کنند. نباید بگذاریم مردم ما در فضای کم‌خبری، با خبرهای القایی و وارداتی به‌تدریج خو بگیرند و دست‌های خارجی، به افکار عمومی ما شکل بدهند. خیلی اتفاق افتاده که در شبکه‌های مجازی، یک خبر یا ویدئویی درحال دست‌به‌دست شدن است. وقتی پی ماجرا را می‌گیریم می‌بینیم بی‌بی‌سی و در کل رسانه‌های آن طرفی هم در این زمینه خبرپراکنی کرده و فلان سایت‌ها نیز آن خبرها را منتشر کرده‌اند. در این شرایط، مردم وقتی می‌بینند شبهه‌هایی ازسوی طرف‌های مشکوک مطرح می‌شود و نهادهای مسئول در کشور ما پاسخی نمی‌دهند، آنها هم دچار تردید می‌شوند. از این‌رو، رسانه‌ها رسالتی دارند و آن این است که از مسئولان بپرسند.»

توکلی در ادامه صحبت‌هایش به رفتار هوشمندانه رسانه‌های داخلی اشاره می‌کند و می‌گوید: «اگر هوشمند نباشیم و اطلاع‌رسانی و رفتار آفندی درستی نداشته باشیم رسانه‌های بیگانه از تیتر اخبار خودمان علیه ما استفاده می‌کنند. اگر اطلاعات درست داده نشود و پشتیبانی صورت نگیرد، عملا اطلاع‌رسانی و حمله ما در میدان رسانه‌ای ضربه می‌خورد و آسیب می‌بیند؛ وقتی رسانه‌های داخلی کار خود را خوب انجام ندهد مخاطب به‌سمت رسانه‌های دیگر می‌رود. در بررسی رفتارهای رسانه‌های بیگانه می‌توان گفت آنها برای اینکه روی مخاطب تاثیر بگذارند، با کمک زیرساخت‌هایی که دارند، رفتارهایی را برای مشغول کردن ذهن مخاطب انجام می‌دهند که باعث سرگیجه در مخاطب می‌شود تا متوجه این نباشد که چه کاری باید انجام دهد. رسانه‌هایی مثل بی‌بی‌سی سعی می‌کنند با حداکثرسازی اطلاعات، بمباران اطلاعات، ایجاد وضعیت مکمل با استفاده از تکنیک‌ها، غیرممکن‌سازی اشراف اطلاعات، جمع‌آوری اطلاعات، صفر کردن از تولید تا توزیع پیام، مخاطب را در حصار خودشان قرار بدهند.» این کارشناس ارتباطات ادامه می‌دهد: «این شبکه‌ها همیشه برای اجرای برنامه‌ها و دستوراتی که در دستورکار خود دارند از دسترسی‌های مختلف شبکه‌های مجازی، پوشش منطقه‌ای، پوشش محلی برای دسترسی آسان به مخاطبان استفاده می‌کنند، دفاع از یکدیگر و پیگیری سوژه را انجام می‌دهند، اخبار و اطلاعات را بازنشر می‌دهند، اشتراک‌گذاری اطلاعات انجام می‌دهند، مواضع تهاجمی در راستای خط اشتغال می‌گیرند و تمرکزشان را بر خطاهایی می‌گذارند که توسط مسئولان انجام می‌گیرد. این رسانه‌ها معمولا شبکه‌سازی انجام می‌دهند و براساس شکل‌گیری مولتی‌پلتفرم‌ها می‌توانند اقدامات خود را به مقصد برسانند، آنها زیرساختی را با استفاده از تولید محتوا و جهانی کردن محتوا براساس بستر فضای مجازی و رسانه‌ای مختلف مانند شبکه‌های ماهواره‌ای و محلی برای استراتژی تاثیر بر رفتار ایجاد می‌کنند تا نتایجی از آن حاصل شود. کافی است شما درمورد موضوعی خاص مثلا همین اتفاق آبادان، رفتار این رسانه‌ها را بررسی کنید، نتیجه این موضوع کاملا جالب است، خواهید دید که این رسانه‌ها روی واژه‌هایی اتفاق نظر دارند و همه آنها به یک موضوع و سوژه می‌رسند و مخاطب ناخواسته به‌سمت مفهومی که آنها مدنظر دارند و می‌خواهند، حرکت می‌کند.» توکلی به اتفاق تگزاس و کشته‌شدن دانش‌آموزان در مدرسه هم اشاره کرد و گفت: «تیتر رسانه‌های خارجی اکثرشان موضوع کشته‌شدن این دانش‌آموزان بود، اما این رسانه‌هایی که از آنها نام بردیم اصلا توجهی به این اتفاق نداشتند و مثلا یک آتش‌سوزی کوچک در تهران را با تیتر بزرگ منعکس کردند تا به هدف‌شان که همان ناامن جلوه دادن ایران است، برسند.»

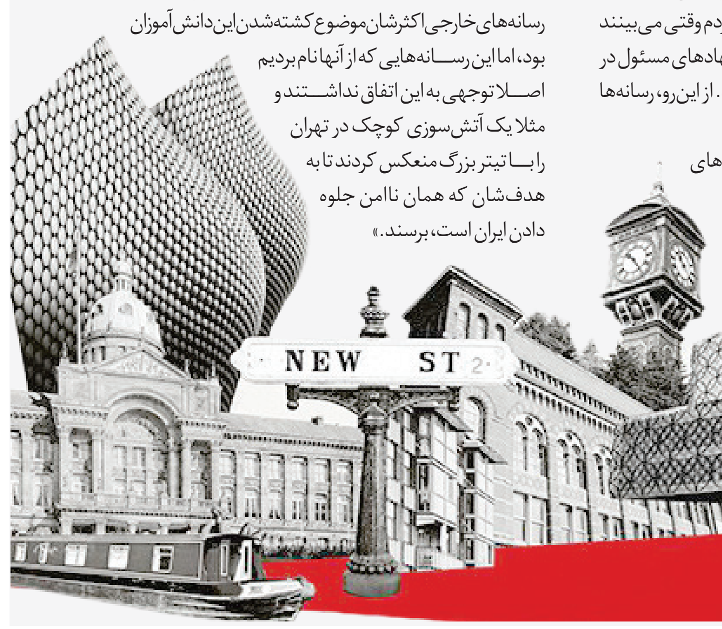

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

علیرضا داوودی کارشناس رسانه:

تقسیم‌بندی رسانه‌ها تغییر کرده است

علیرضا داوودی کارشناس ارشد رسانه است. او که سال‌ها در این حوزه فعالیت کرده و کارهای رسانه‌های غربی را رصد کرده است در مورد این موضوع می‌گوید: «تقسیم‌بندی رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه را باید براساس تکامل دهه‌ای آنها انجام دهیم. دهه ۷۰ یک تقسیم‌بندی داشتند و به ترتیب در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ متفاوت شدند. اما ما سه نوع تقسیم‌بندی می‌توانیم داشته باشیم: «تقسیم‌بندی براساس محتوایی که ارائه می‌کنند، تقسیم‌بندی براساس مبدأیی که خاستگاه آنهاست و تقسیم‌بندی براساس جنس مدلی که ارائه می‌کنند.» هرچند در ساحت ارائه، همه آنها را فارسی‌زبان بیگانه می‌گوییم اما در تم‌های سه‌گانه که عرض کردم تفاوت‌هایی وجود دارد. البته این منهای تفاوت‌هایی است که در ساحت فنی از آنها یاد می‌کنیم.»

او در ادامه با اشاره به یک تقسیم‌بندی اولیه در این مورد می‌گوید: «در مجموع اگر بخواهیم یک تقسیم‌بندی اولیه داشته باشیم باید گفت که ما الان رسانه فارسی‌زبان بیگانه یا منتقد عملا نداریم. یک زمانی مثلا فرض کنید که یک ایرانی نه‌چندان آگاه یک موج رادیو راه می‌انداخت که کارش انتقاد به وضع موجود آن زمان بود و نه عداوت و عناد. اما امروز دیگر یک چنین تقسیم‌بندی وجود ندارد. علت آن هم این است که شرایط و مکانیسم ظهور و بروز این رسانه‌ها متفاوت شده است. قبلا زنجیره اتصال پیام در حوزه دیوایس‌ها نسبت به مخاطب در مبدأیی مثل آمریکا نسبت به مقصدی مثل ایران را نداشتیم اما الان یک چنین تقسیم‌بندی‌ای هست. برای همین اساسا ما در حوزه رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه فقط یک گونه، آن هم معاند داریم. اگر بخواهیم گونه‌های دیگر را وارد کنیم عملا دیگر از حوزه فارسی‌زبان بیگانه خارج می‌شویم. چرا؟ چون اطلاق بیگانه برای این رسانه‌ها وقتی صورت می‌گیرد که کوچک‌ترین وجه ممیزی نسبت به تفاهم با ما برنمی‌تابند. پس بنابراین ما در گام اول می‌گوییم که الان یک گونه آفندی در حوزه رسانه‌های بیگانه وجود دارد و آن هم گونه معارض است. اما این رسانه‌ها در ساحت بعدی، این گونه تقسیم‌بندی می‌شود که اصطلاحا می‌گویند معاند آفندی، معاند پدافندی، معاند ترکیبی و معاند تک ساحتی.»

داوودی با توجه به تقسیم‌بندی‌ای که برای این رسانه‌ها انجام داده است، می‌گوید: «فرض کنید رسانه‌ای مثل صفحه وزارت امور خارجه رژیم‌صهیونیستی به زبان فارسی در توئیتر، تک‌ساحتی است؛ اما بی‌بی‌سی فارسی، ترکیبی است. مثال اول عمدتا نمی‌تواند آفندی حرکت کند چون خود وزارت امور خارجه رژیم‌صهیونیستی به زبان فارسی جزء رسانه‌های چرک است و جزء رسانه‌های درجه ۳ تلقی می‌شود؛ همچنان معتقد است که مثلا باید شب‌های جمعه یک وردهایی را بخواند که به‌اصطلاح اعلی‌حضرت برگردد! تم آن به‌صدای آمریکا خیلی نزدیک است.»

این کارشناس رسانه با اشاره به مدل کار کردن رسانه‌ای مثل بی‌بی‌سی می‌گوید: «باید این را بگوییم که مدل بی‌بی‌سی متفاوت است. بی‌بی‌سی تعارضش با ایران، بیشتر در حوزه مدلینگ است در حالی که ایران اینترنشنال بیشتر در حوزه گودرنگ خودش را نشان می‌دهد. پس ساختار اول تعارضی است و ساختار دوم تعارض جامع هدفی است که اینها را در برمی‌گیرند. قبلا ما می‌گفتیم فقط نخبگان بی‌بی‌سی را می‌بینند یا مثلا مردم عادی یا آنهایی که خیلی عام تلقی می‌شوند می‌روند من و تو را می‌بینند. اما الان همه این تقسیم‌بندی‌ها عوض شده است. الان دیگر شبکه‌هایی چون پارس تی‌وی و ان‌آی‌تی‌وی و... راندارید. هم جنس شبکه‌ها و هم جنس مخاطب تغییر کرده است. دیگر آن ساختار قدیمی به آن معنا حرفی برای گفتن ندارند چون متعلق به یک ساختار عدوات تک‌ساحتی دهه هفتادی یا حتی قبل از آن بودند.»

او با اشاره به مدل مخاطب جدید در فضای رسانه‌ای می‌گوید: «الان ما با پدیده‌های جدیدی از این فرم درگیر هستیم که حتی ترکیب‌بندی ساحت مخاطب را هم به‌هم زده است. یعنی از نظر آنها نخبه کسی نیست که دارای مثلا مقام عالی دولتی یا برخوردار از فلان مدرک دانشگاهی باشد. الان از نظر رسانه‌ها در حوزه عداوت نخبه کسی است که بتواند در کسری از زمان موجود بیشترین شبکه را برای کامنت وری کامنت نسبت به پیامی که آن رسانه تلقی می‌شود، فعال کند. پس حتی جنس و ساختار عداوت هم در حوزه این فضا عوض شده است. به همین دلیل هم شاید گاهی اوقات رنگ پیامی که می‌دهند رنگ تعارض نباشد، رنگ نقدگونه باشد، اما چون ذات و ساحت عملیاتی این رسانه‌ها کلا تعارض است، آن نقد هم مقدمه یک تعارض محسوب می‌شود.»

یادداشت

مقایسه‌ای درخصوص نوع پوشش اخبار مربوط به سقوط ساختمانی در میامی و متروپل آبادان

ساختمان ما و ساختمان شما؛ کدام خبر را پوشش می‌دهید؟

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

کمتر از یک سال پیش بود که در تیرماه ۱۴۰۰، یک ساختمان مسکونی در آمریکا فروریخت. ساختمانی ۱۲ طبقه‌ای در یک شهرک ساحلی میامی. نزدیک به ۲۰۰ نفر در این حادثه جان دادند اما نکته حیرت‌انگیز ماجرا این بود که رسانه‌های آمریکایی درباره این ماجرا تیتر می‌زدند: «حداقل یک نفر پس از فروپاشی یک کانکس ۱۲ طبقه در شمال ساحل میامی در اوایل صبح پنجشنبه جان خود را از دست داد. درحال حاضر جست‌وجو و نجات گسترده برای یافتن بازماندگان یا دیگر قربانیان سقوط در جریان است.» آنها می‌دانستند که اکثر مخاطبان فقط تیتر اخبار را می‌خوانند و حتی لینک‌ها را باز نمی‌کنند تا باقی متن را ببینند. اگر کسی این زحمت را به خود می‌داد و خود خبر را می‌خواند، می‌دید که ذیل همان تیتر نوشته شده؛ «به‌طور دقیق‌تر ۱۶۳ نفر کشته یا مفقود شده‌اند.» و وقتی چند روز از وقوع حادثه گذشته بود و این خبر منتشر می‌شد، به‌نظر می‌رسید باید تمام مفقودان را در آمار کشته‌شدگان به‌حساب آورد. به این می‌گویند «ماساژ پیام.» اگر بگویید چرا آمار کامل را منتشر نکردید و مصیبتی به این بزرگی را کوچک‌نمایی کردید، شما را به متن خبر که مرگ ۱۶۳ نفر را مورد اشاره قرار داده ارجاع می‌دهند و اگر واقعیت را بخواهید، خبر کوچک‌نمایی شده است. اساسا پس از سقوط برج، اطلاعات ریزش ساختمان به‌شکل خرد و قطره‌چکانی مخابره می‌شد تا از شوک ناگهانی این رویداد کاسته شود و چنانکه واقعا بزرگ و دهشت‌بار بود، بزرگ و دهشت‌بار به نظر نرسد. ماجرا این بود که ساعت ۱:۳۰ بامداد پنجشنبه ۲۴ ژوئن در شهرک سرف‌ساید (Surfside) در حومه میامی، یک ساختمان ۱۲ طبقه ۴۰ ساله که اکثر ساکنان آن آمریکایی لاتین‌تبار بودند، به‌یکباره فروریخت. به‌طور طبیعی اکثر ساکنان ساختمان در هنگام وقوع حادثه در خواب به سر می‌بردند و اگر هم بیدار بودند، راهی برای گریز از این بلا نداشتند اما اگر چنین حادثه‌ای در روز و هنگامی رخ می‌داد که ساکنان مجتمع سر کار بودند و کودکان‌شان در مدارس حضور داشتند، قطعا تلفات کمتری به بار می‌آمد. این ساختمان ۱۲ طبقه‌ای، ۱۳۶ واحد داشت که از این تعداد ۵۵ واحد آن فروریخت. عملیات نجات قربانیان در محیطی دور از رصد خبرنگاران و عکاسان انجام می‌گرفت ولی عکس‌هایی به شکل کنترل شده منتشر می‌شد که حساسیت‌ها را از کامل نبودن پوشش خبری قضیه دور نگه دارد. هنوز تعداد اجساد یافته شده از زیرآوار به ۲۵ نفر نرسیده بود که امدادگران تصمیم گرفتند به‌دلیل پیش‌بینی یک توفان، بقیه ساختمان را هم خراب کنند، اما این قضیه نوعی پوشش رسانه‌ای پیدا کرد که صدای هیچ‌کس را درنیاورد. بقیه ساختمان درحالی تخریب شد که هنوز افراد زیادی زیرآوار بودند و قطعا تعدادی از آنها هنوز زنده بودند. رسانه‌های آمریکایی آمار کشته‌شدگان یا مفقودین این حادثه را به‌طور کل کتمان نکرده‌اند اما با شیوه‌ای اخبارش منتشر شد که نه‌تنها این عدد شوک‌آور برجسته نشود، بلکه از برجسته شدن آن توسط شبکه‌های اجتماعی هم جلوگیری کردند. ارائه اطلاعات از چنین حادثه‌ای شیوه‌ای چنان مهندسی شد که نه بشود رسانه‌های آمریکا را به دروغگویی یا عدم انعکاس اخبار متهم کرد و نه بشود حال و هوای واقعی آنچه را که اتفاق افتاده، در رسانه‌ها دید. به‌عبارتی آنها نیش زدند اما قبلا زهرش را گرفته بودند و خبر را منعکس کردند اما جوری که اتمسفر عمومی جامعه، پس از انتشار چنین خبری، متناسب با یک سری سیاست‌های به‌خصوص حاکمیتی و منافع شرکت‌های صاحب‌سرمایه باشد؛ نه حساس‌تر و نه اعتراضی‌تر. آنها به‌شکل نامحسوسی خبر را کم‌اهمیت‌تر از آنچه در واقع بود، به نظر رساندند و ابعاد فاجعه را جوری منتقل کردند که شوک آن از بین برود؛ البته نه به شیوه بعضی از رسانه‌های رسمی داخل کشور ما که گاهی گزارشگر آنها پشت به یک فاجعه عیان، به‌طور مستقیم در دوربین زل می‌زند و می‌گوید که چیز مهمی اتفاق نیفتاده است. آنها این عدم اهمیت را به زبان نیاوردند، بلکه در عمل و به‌طور نامحسوس القا کردند و این شیوه‌ای پایدار و ساختارمند در رسانه‌های آمریکایی است.

این اولین بار نبود که در آمریکا چنین حادثه‌ای رخ می‌داد و مهندسی رسانه‌ای درباره پوشش آن هم همواره به همین شکل بوده است، اما غیر از بحث نوع انتشار این خبر در خود آمریکا، پوشش آن در رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه هم محل بحث بود. نوع و حجم انعکاس این اخبار در رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور باعث شد که به‌طور مثال کاربران فضای مجازی، بی‌بی‌سی فارسی را متهم کنند اخبار سقوط چمپلن تاورز را بایکوت کرده است. کسرا ناجی، از عوامل بی‌بی‌سی فارسی در توئیتر پاسخ داد که «در بی‌بی‌سی از همان فردای این فاجعه این موضوع در تیترهای اصلی خبر ما بود. اگر این اتفاق در ایران می‌افتاد بله ما شاید بسیار پررنگ‌تر آن را دنبال می‌کردیم چون بخش مهمی از مخاطبان ما در ایران هستند و پیگیر ماجرا. مردم میامی برای پیگیری این فاجعه به بی‌بی‌سی فارسی رجوع نمی‌کنند.» اما کاربران مجازی، بعضی از لینک‌ها و پست‌های نامربوط دیگر را که بی‌بی‌سی فارسی راجع‌به اتفاقاتی کاملا بی‌اهمیت و خنثی در سایر نقاط دنیا منتشر کرده بود، به رخ او کشیدند. مثلا یک نفر خبری را از بی‌بی‌سی فارسی منتشر کرد که می‌گفت یک مرد اتریشی وقتی میهمان دوستش بوده، در دستشویی توسط مار گزیده شده است و به طعنه نوشت: «آیا می‌دانستید مردم اتریش برای پیگیری خبر گزیده شدن ماتحت هموطنان خود به بی‌بی‌سی فارسی رجوع می‌کنند؟» و شخص دیگری که با نام حقیقی‌اش توئیت می‌کرد (سهیل دولتشاهی)، با لحنی صریح‌تر نوشت: «از دید بی‌بی‌سی پوشش چندهمسری زنان در آفریقای جنوبی به مخاطب ایرانی ربط دارد ولی پوشش فروریختن ساختمان در آمریکا ربطی به مخاطب ایرانی ندارد. با اولی می‌شود جامعه را تحریک کرد ولی دومی باعث کاهش التهاب و ناامیدی و خشم در موقع بروز رخداد مشابه در ایران می‌شود.» این بحث را بیشتر از اینها هم می‌توان ادامه داد و به نکات و جزئیات مهم دیگری اشاره کرد اما به نظر می‌رسد تا همین جا هم برای یک نتیجه‌گیری کلی راجع‌به برخورد دوگانه رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور، نکات کافی طرح شده باشد.

یادداشت

بی‌بی‌سی فارسی با وجود اصرار بر نمایش بی‌طرفی، در بزنگاه‌های خبری، ذات واقعی‌اش را نشان می‌دهد

آوار برج بی‌طرفی

سیدمهدی موسوی‌تبار
خبرنگار گروه فرهنگ

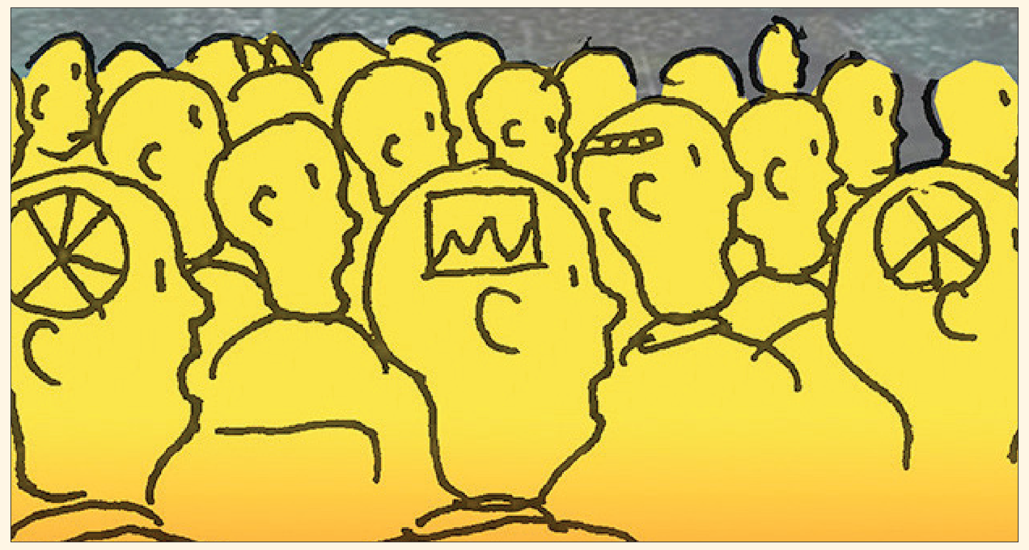

«بی‌بی‌سی فارسی یک سازمان رسانه‌ای بزرگ بین‌المللی است که تلاش می‌کند اخبار و اطلاعات را به‌صورت بی‌طرفانه در اختیار مخاطبان فارسی‌زبان خود در سرتاسر دنیا قرار دهد، به‌ویژه در اختیار مخاطبان در ایران، افغانستان و تاجیکستان.» این شروع مطلبی است که در بخش «درباره بی‌بی‌سی فارسی» قرار دارد. حالا اجازه بدهید برویم سراغ لغتنامه «دهخدا» و ببینیم آنجا جلوی کلمه «بی‌طرفی» چه چیزی آورده است: «(اصطلاح سیاسی) عمل و حالت بی‌طرف. تصمیم عدم‌دخالت در امور سیاسی یا عدم‌دخول در جنگ که دولت سومی به‌خود گیرد چون دو دولت در حالت جنگ یا تیرگی مناسبات سیاسی باشند. عدم‌دخالت در دسته‌بندی‌های سیاسی. || عدم‌تعصب و جانبداری» تا اینجای کار تکلیف‌مان با دو مفهوم روشن شد؛ اول، سیاست بی‌بی‌سی فارسی در انتشار و انتقال اخبار و دوم معنی بی‌طرفی. کتابخانه‌ها و فضای مجازی پر است از کتاب‌ها و جزوات روزنامه‌نگاری و ارتباطات که در آنها درباره بی‌طرفی رسانه‌ها نوشته شده است و سوال اکثر دانشجویان و حتی گاهی اساتید این است که اصلا ما رسانه بی‌طرف داریم؟ خیلی‌ها موافق این ادعا هستند و خیلی‌ها هم مخالفش. حتی سال گذشته کتابی با عنوان «نسیم در اخبار، بی‌طرفی رسانه‌ها؛ از ادعا تا واقعیت» نوشته اکبر نصراللهی رئیس دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و مطالعات رسانه و سمانه سلطانی‌پور مدرس دانشگاه منتشر شد و از مدلی گفتند که با وجود اینکه بی‌طرفی مطلق در تولید و انتشار اخبار به دلایل مختلف امکان‌پذیر نیست، اما رسانه‌ها باید سعی کنند تا جایی که مقدور است اصول و شاخص‌های القای آن را برای اثرگذاری بر افکار عمومی، رعایت کنند. به همین دلیل آنها برای نخستین بار در این کتاب مدل عملی بی‌طرفی رسانه‌ها را که «نسیم در اخبار» نامید می‌شود، ارائه دادند. مدل نسیم در اخبار، راه‌های بهره‌گیری هوشمندانه و حرفه‌ای القای بی‌طرفی را به اصحاب رسانه و دست‌اندرکاران ارتباطات جمعی نشان می‌دهد تا رسانه‌نگاران داخلی بتوانند همانند رسانه‌های حرفه‌ای خارجی از آن بهره گیرند.

مطالعه کتاب‌های اینچنینی به ما کمک می‌کند خودمان بتوانیم این بی‌طرفی یا القای بی‌طرفی را تشخیص بدهیم. مثلا تشخیص بدهد ادعای صریح بی‌بی‌سی فارسی مبنی بر اینکه این ویژگی را دارد چقدر درست است. این ادعا خاص بی‌بی‌سی فارسی نیست و با یک جست‌وجوی ساده متوجه می‌شویم در سایت بی‌بی‌سی اصلی هم چنین نکته‌ای مطرح شده است: «بی‌بی‌سی متعهد به دستیابی به بی‌طرفی مناسب در تمام خروجی‌های خود است. این تعهد به‌خاطر شهرت، ارزش‌های ما و اعتماد مخاطبان اساسی است. اصطلاح «موعد مقرر» به این معنی است که بی‌طرفی باید کافی و مناسب با خروجی باشد که این با در نظر گرفتن موضوع و ماهیت محتوا، انتظارات احتمالی مخاطب و هر نشانه‌ای که ممکن است بر آن انتظار تاثیر بگذارد، انجام می‌پذیرد.» اگر عملکرد یک‌ساله اخیر بی‌بی‌سی و یکی از زیرمجموعه‌هایش به نام بی‌بی‌سی فارسی را رصد کنیم ممکن است شما هم مثل من پس از خواندن جملات گفته شده در سایت، چشمان خود را ریز کنید یا حتی در دل‌تان و آشکارا لبخند یا نیشخند بزنید. این واکنش وقتی بیشتر می‌شود که در ادامه می‌خوانیم: «بی‌طرفی معمولا بیش از یک «تعادل» ساده بین دیدگاه‌های مخالف را شامل می‌شود. ما باید با در نظر گرفتن دیدگاه گسترده و اطمینان از اینکه وجود طیفی از دیدگاه‌ها به‌طور مناسب منعکس شده است، فراگیر باشیم... در اعمال بی‌طرفی در اخبار به رویدادها، نظرات و رشته‌های اصلی استدلال اهمیت می‌دهیم.»

تمام این جملات از داخل سایت‌های بی‌بی‌سی اصلی و فارسی آمده و چیزی از خودمان به آن اضافه نکردیم. خب، حالا وقت آن است که نگاهی بیندازیم به نحوه انعکاس ماجرای ریزش ساختمان «متروپل» در بی‌بی‌سی فارسی و ماجرای تیراندازی در یک مدرسه ابتدایی در ایالت تگزاس آمریکا. ممکن است سوال کنید آیا در مناسبات سیاسی چند دهه اخیر، توقعی جز این از رسانه انگلیس می‌رود؟ حتما پاسخ به سوال شما منفی است اما یادمان نرود که تمرکز ما روی رسانه است و خط‌مشی رسانه‌ای که اصرار بر بی‌طرفی دارد و آن را در خط اول توضیحات سایتش درباره خودش می‌گذارد. رسانه‌ای که در القای اینکه به‌دنبال یافتن حقیقت و واقعیت است، موفق عمل کرده و حتی در داخل کشورمان نیز بخش قابل توجهی از کارشناسان و اهالی رسانه، استنادشان به خبرها و تحلیل‌های بی‌بی‌سی است و آن را وحی منزل می‌دانند. با گسترش فضای مجازی این دایره بازتر شده و مردم عادی هم که رشته‌شان ارتباطات و رسانه نیست با خیال راحت و سینه ستبر از اخباری می‌گویند که منبع‌شان بی‌بی‌سی است و احتمالا بعدش یادشان می‌رود که تکذیبیه یا اصلاحیه آن خبر را هم بخوانند.

هنر شفاف نیندیشیدن

آنهایی که به دیدن نمایش فانتزی یا شنیدن افسانه‌ها می‌روند یا حتی از شعبده‌بازی و تردستی خوش‌شان می‌آید، می‌دانند و با اختیار به سراغ شنیدن و دیدن دروغ می‌روند. از مواجهه با دروغ حتی لذت می‌برند و آگاهند به اینکه به یک مراسم نمایش صداقت دعوت نشده‌اند و در اساسنامه‌شان تاکید روی بی‌طرف هم نشده است. آنها آمده‌اند که به دروغ‌ها بخندند و کمی خوش بگذرانند و بروند و حتی یکی از آنها یک درصد هم به‌دنبال حقیقت نیست. خروجی این مراسم روبه‌رویی یک لبخند و قهقهه است و ممکن است حتی بر اثر اشتباه دست شعبده‌باز یا تردست هم رو شود و اما همه‌چیز در یک فضای فانتزی اتفاق می‌افتد. در حوزه رسانه اما اوضاع متفاوت است و میزان تفاوتش هم چشمگیر است. رسانه‌ای ادعا می‌کند بی‌طرف است و مخاطبانی را به سمت خودش جذب می‌کند. از سر بدشانسی یا هر چیز دیگر، دو اتفاق مشابه در یک بازه زمانی کوتاه در دو نقطه از جهان می‌افتد و حالا اینجا همان جایی است که جوی آب گشاد شده و دیگر نمی‌توان با قرار دادن یک پا اینور جوی و یک پا آنور جوی آب حرکت کرد. جوی گشاد شده و برای اینکه خطری، سلامتی رونده (اینجا سردبیر) را تهدید نکند باید انتخاب کند که کدام سمت بایستد و این همان تله‌ای است که کمتر کسی علاقه دارد گرفتارش شود؛ تله دیده‌شدن در یک سمت‌وسوی خاص با وجود فریادهای متعدد بی‌طرفی در طول سال‌ها یا ماه. برای اینکه این دیده شدن کم‌اثر شود یا اثرش از بین برود نیاز به شفاف نیندیشیدن مخاطبان است. یعنی با رسانه و ابزاری که داریم فضایی را ایجاد کنیم که مخاطب، گرفتارشدن ما را نبینند. راست و دروغ را به هم مخلوط کنیم و البته حواس‌مان به این هم باشد که با این مخاطبان در آینده هم مواجه خواهیم شد و قرار نیست آنها را از دست بدهیم. ممکن است مرگ شوهر ۹۹ ساله ملکه را جوری منعکس کنیم که حتی اسباب خنده مخاطبان انگلیسی را از این زیاده‌روی‌ها فراهم کرده باشیم و بعد برای توجیهش مجبور به بافتن آسمان و ریسمان شویم و یادمان هم نرود که منافع‌مان توسط چه کسانی تامین می‌شود. بدتر از این توجیهات این است که چند ماه بعد به انعکاس خبر فوت یک مقام بلندپایه در فلان کشور انتقاد می‌کنیم و آن را نشانه زیاده‌روی در رسانه‌های آن کشور و محدود بودن رسانه‌ها معرفی می‌کنیم. شاید بی‌بی‌سی اصلی و فارسی بتوانند در بخش معرفی خودشان قسم حضرت عباس بخورند و ژست بی‌طرفی و حرفه‌ای‌گری به خود بگیرند اما اتفاقاتی شبیه به ماجرای متروپل آبادان و تیراندازی در مدرسه‌ای در آمریکا و نحوه انعکاس توسط عکس‌ها و تیترها و انتخاب رنگ کلمات و حتی چینش عکس و واژه‌ها نشان می‌دهد که دم خروس آشکارا بیرون می‌زند و عجیب اینکه ابایی ندارند از این بیرون‌زدن دم خروس. یا انکار می‌کنند که این دم خروس است یا می‌روند سمت توجیه رفتارشان. یک زمان ادعا می‌کنند نگران جان انسان‌ها هستند و در جای دیگر جان همین آدم‌ها برایشان ارزشی ندارد و حتی کشته‌شدن‌شان را حمایت می‌کنند و سعی در القای این دارند که حق‌شان بوده است؛ از کشته‌شده‌ها چهره‌های منفوری می‌سازند که مخاطب گاهی حس می‌کند باید از قاتل یا قاتلان بابت از بین بردن اینها تشکر هم بکند. القای بی‌طرفی، فارغ از مسائل اعتقادی، البته نیاز به هنر فرد یا مجموعه و شناخت رسانه دارد اما همین هنر هم تاریخ مصرف دارد و زمانی دستش برای مخاطبان رو می‌شود. بخشی از خنثی‌شدن این ترفند، افزایش آگاهی مخاطبانی است که در طول شبانه‌روز با انبوهی از خبر مواجه هستند و نسبت به آنها حب و بغض هم دارند؛ اخباری که از رسانه‌های مختلف با نگاه‌های مختلف می‌خوانند و گاهی متناقض هم به نظر می‌رسند. در چنین شرایطی سواد رسانه‌ای مراجعه‌کنندگان به این سایت‌ها و صفحه‌ها، نیازی بالاتر از نان شب است تا رسانه‌ها نتوانند با تکیه بر واژه‌های جذابی مانند «بی‌طرفی» آنها را به طرفی ببرند که هیچ حقیقتی آنجا وجود ندارد یا اگر هست تلفیقی از حقیقت و دروغ دیده می‌شود.